

جایگاه مدیریت در پیشبرد اهداف توسعه روستایی مطالعه موردی: روستای جوانمردی (شهرستان لردگان)

محسن صیدالی^{*}، غلام صادقی^۱، زهرا میرزایی گودرزی^۲

چکیده

در فرایند توسعه روستایی، پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه روستایی الزامی است. توسعه روستایی فرایندی است که بهبود شرایط محیط روستا توأم با بهبود زندگی روستاییان را ضمن حفاظت از محیط زیست روستا هدفگیری می‌کند و در این جریان چند بعدی، سه عنصر اساسی (انسان، محیط و نظام سیاسی) به ایفای نقش می‌پردازند. در این راستا نحوه پیشبرد امور مختلف روستا اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی با همراهی و مشارکت روستاییان و مدیریت روستایی به انجام می‌رسد. مدیریت روستایی مجموعه‌ای درهمتنیده از امکانات، شرایط گوناگون طبیعی، انسانی، نهادی و ساختاری- کارکردی است که پرداختن کامل به آن مجال دیگری را می‌طلبد؛ بنابراین نمی‌توان مدیریت روستایی را منحصر به شورای اسلامی و دهیاری نمود. این نوشتار درصدد آنست تا ضمن اینکه جایگاه مدیریت نوین روستایی را در ایران تبیین می‌کند، این موضوع را در محدوده روستای جوانمردی در بخش خانمیرزا (شهرستان لردگان)، تحلیل نماید و با بررسی فعالیتهای انجام گرفته پس از تأسیس نهادهای شورای اسلامی و دهیاری در ابعاد اجتماعی- اقتصادی، کالبدی- فیزیکی و خدمات عمومی توأم با ارزیابی میزان رضایت ساکنین از فعالیتهای در سه بعد یاد شده، نقش مدیریت روستایی را در این روستا روشن نماید، سپس با جمع‌بندی این موارد به ارائه راهکارها و پیشنهادات اجرایی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، مشارکت، توسعه روستایی، روستای جوانمردی، لردگان.

پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۳ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Mseidali@gmail.com، ۰۹۱۳۲۸۱۰۷۵۸

بیان مسأله:

امروزه نقش و جایگاه مدیریت در تمامی زمینه‌ها و عرصه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر، بیش از پیش برجسته گردیده است و مدیریت از رویکردهای سابق خود از جمله توجه به مسایل مربوط به مدیریت منابع انسانی، مالی، صنعتی، بازرگانی و دیگر شاخه‌های اصلی خود خارج و بر پایه اصول خاص علمی در سایر زمینه‌های مربوط به مدیریت جوامع انسانی و سازمان دادن و اداره جوامع و کشورها در عرصه توسعه و رفاه بشری بهره گرفته می‌شود.

در کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران از زمان یکجانشین شدن گروه‌های انسانی و پس از شکل‌گیری نخستین سکونتگاه‌های انسانی یا روستاهای اولیه، هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی ساکنان، برنامه‌ها، روشها و نهادهایی برای اداره روستاها وجود داشته است. و بدیهی است که این واحد اجتماعی، به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین ارضی و مدنی نمی‌توانند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد (مهدوی و همکاران: ۱۳۸۴). این روشها، قرار و مدارها، نظامات و ... پس از شکل‌گیری نیاز به این قواعد و روشها در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی (آب، خاک، پوشش گیاهی) و نیز در زمینه تنظیم روابط اجتماعی میان گروه‌های انسانی ایجاد و برقرار گردیده‌اند (طالب، ۱۳۷۶: ۵). بدین منوال در گذشته افراد و نهادهایی در روستا عهده‌دار اداره روستا بوده‌اند که می‌توان به شیوه‌های خاص ارباب و رعیتی و وجود افرادی چون مباشر و یا نماینده مالک و افراد دارای جایگاه پائین‌تر مانند جارچی، میراب و دشتبان و در دوره پس از مشروطه ظهور نهاد کدخدایی در مدیریت روستا را ذکر کرد. لیکن در زمان حاضر، به دلیل شکل‌گیری روابط و مناسبات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در روستاها به تأثر از جوامع بزرگتر و نیز به دلیل پیچیدگی‌ها و تحولات خاص حاصل از پیوندهای شهری- روستایی، نظام مدیریت روستایی نیز متحول گردیده است.

به طور کلی می‌توان مدیریت را در دو شکل سنتی و نوین تقسیم نمود. مدیریت روستایی نیز از این قاعده کلی مستثنی نمی‌باشد و بر این اساس دهیاری‌ها که مهم‌ترین بازوی اجرائی شورای اسلامی روستا می‌باشند، به عنوان مدیریت نوین قلمداد می‌شوند و باید کلیه خصیصه‌های مدیریت نوگرا را دارا باشند و در جهت توسعه پایدار روستایی گام برداند (مهدوی و همکاران: ۱۳۸۴: ۲۲). در این راستا و طی چند دهه اخیر، توسعه روستایی در ایران به طور اعم و مدیریت روستایی به طور اخص از روندی اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نبوده است. ذکر این نکته به معنای نفی اقدامات قابل توجه و سازنده‌ای که در برخی جوامع روستایی صورت پذیرفته نیست؛ بلکه به مفهوم گسیختگی اهداف و برنامه‌ها و فقدان راهبردهای مشخص برای توسعه روستایی است (سعیدی: ۱۳۷۰: ۴). به عبارت دیگر علیرغم خدمات گسترده‌ای که از سوی نهادهای دولتی در روستاها صورت گرفته، هنوز فاصله بین واقعیت‌های موجود و اهداف توسعه بسیار زیاد است و مسائل و مشکلات فراوانی در جامعه روستایی وجود دارد که از سر راه برداشتن آن مسائل و مشکلات معادل با از بین بردن محرومیت‌ها در جوامع روستایی است. از این رو ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاها می‌باشد (مهدوی، ۱۳۸۱).

در دهه‌های اخیر در ایران، مدیریت روستایی دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. در حوزه مدیریت روستایی با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور در تیر ۱۳۷۷ و تصویب اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری در اسفند ۱۳۸۰ گام مؤثری جهت تأسیس یک نهاد عمومی برای مدیریت روستا برداشته شد. به استناد مصوبات فوق وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های)، متولی اعطای مجوز تأسیس نهادی عمومی با شخصیت حقوقی مستقل به نام دهیاری در روستاهای بالای ۲۰ خانوار شده است (پژوهشکده سوانح طبیعی بنیاد مسکن، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۲۹).

بنابراین نظام فعلی مدیریت روستایی در کشور نیز دارای یک سری نقاط قوت و ضعف می‌باشد که در اکثر نقاط ایران و در همه روستاهای کشور این مسائل وجود دارد. نقاط قوت و ضعف فوق که در روستاهای دارای دهیاری و شورای اسلامی و نیز در روستاهایی که فاقد دهیاری هستند، مشهود هستند. در این پژوهش سعی می‌گردد که به بررسی اجمالی ارتباط میان مدیریت روستایی و توسعه روستایی و به عبارتی نقش مدیریت در پیشبرد توسعه روستایی پرداخته شود. بدین منظور در ابتدا به بررسی مفاهیم توسعه روستایی و مدیریت روستایی می‌پردازیم و سپس به بررسی نقش مدیریت روستایی در روند توسعه روستای جوانمردی از توابع شهرستان لردگان در ابعاد کالبدی- فیزیکی، اقتصادی- اجتماعی و خدمات عمومی پرداخته می‌شود.

مبانی نظری:

توسعه روستایی:

توسعه به وضعیتی معین و جاری در جامعه و روندهای دگرگون ساز آن باز می‌گردد. در جنبه نظری، توسعه‌یافتگی بدین معناست که افراد و گروه‌های اجتماعی یک کشور قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخابی آگاهانه بر اساس شرایط و امکانات خویش به پیش برند، بدون اینکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی چون بحران، استثمار، وابستگی و سلطه مواجه شوند. البته چنین جامعه‌ای آرمانی است و باید دانست که تاکنون هیچ جامعه‌ای به این «توسعه ناب» دست نیافته است (سعیدی، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۵۳).

شاید هنوز تعریف «مهاتما گاندی» از توسعه روستایی، تنها تعریفی باشد که تمامی جنبه‌های مذکور را در خود مستقر دارد. او توسعه روستایی را به سادگی، تبدیل روستاها به مکان‌های قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسان معرفی کرد (منبع پیشین، ص ۱۵۶). مسلماً این تعریف عام و کلی است و اهداف خاص برنامه‌ریزی روستایی باید در سطوح مختلف و در ارتباط با جنبه‌های گوناگون اجتماع روستایی تبیین شود. این اهداف قاعداً باید به تجدید سازمان فعالیتها، افزایش درآمدها، گسترش رفاه، برقراری نظم و ترتیب فضایی و نهایتاً بهبود شرایط زندگی در عرصه‌های روستایی منتهی گردد. برنامه‌هایی که به منطوق دستیابی به اهداف فوق مطرح است، عبارت است از:

الف) برنامه‌ریزی جمعیتی هم به مفهوم کنترل رشد جمعیت و هم به مفهوم پیشگیری از روستاگریزی؛

ب) برنامه‌ریزی خدمات و ساماندهی سکونتگاههای روستایی؛

ج) برنامه‌ریزی در زمینه اشتغال زایی و فعال سازی اقتصاد روستایی؛

د) برنامه‌ریزی زیست محیطی و حفاظت از عرصه‌های روستایی با هدف حفظ ویژگیهای اکولوژیک و محافظت از چشم اندازهای طبیعی روستا؛

ه) برنامه‌های یکپارچه سازی اراضی و افزایش تولید روستایی؛

و) پیشبرد تعاون روستایی و زمینه سازی برای مشارکت هر چه بیشتر روستائیان در امور توسعه؛

ز) برنامه ریزی صنعت جهانگردی در سکونتگاهها و حوزه‌های روستایی (سعیدی، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

اهداف توسعه روستایی اساساً در چارچوبها و بسترهای گوناگون و براساس شرایط عینی جوامع تعریف و تعیین می‌گردد. با وجود این، در اینجا از دو منظر می‌توان اهداف توسعه روستایی را تبیین کرد:

الف) نظری- علمی

ب) علمی- اجرایی

اهداف توسعه روستایی از منظر نظری، قاعداً ارتقای فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی- سیاسی و کالبدی- فضایی روستاها برای قابل زیست کردن اینگونه سکونتگاهها و در یک کلام، بسترساز، برای اعتلای شأن و منزلت انسان روستایی است و از منظر علمی- اجرایی، اهداف توسعه روستایی با توجه به گرایشهای غالب سیاسی- اقتصادی و رویکردهای جاری به مقوله برنامه ریزی تبیین و تعیین می‌گردد (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۱).

به طور کلی توسعه روستایی، فرآیند توسعه دادن و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی و انسانی، تکنولوژی، تسهیلات زیربنایی، نهادها و سازمانها، سیاستهای دولت و برنامه‌ها به منظور تشویق و تسریع رشد اقتصادی در مناطق روستایی جهت ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی روستایی برای ادامه زندگی و پایداری حیات است. این جریان علاوه بر رشد اقتصادی درگیر تغییرات در طرز تلقی و در بسیاری موارد حتی شامل تغییرات در عادات و اعتقادات مردم می‌باشد، زیرا جریان سیستم اجتماعی روستایی از شرایط زندگی که غیرمطلوب به نظر می‌رسد، به طرف شرایط مطلوب ماید و روحی حرکت می‌کند.

در یک کلام: توسعه روستایی جریانی است که مردم روستایی را هدایت می‌کند تا توان خود را در جهت کنترل بر محیط خویش بالا ببرند. این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه چنان کنترلی بر محیط است، همراه می‌شود. افزایش تواناییهای مردم جهت کنترل محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود، وظیفه اصلی است، اما آن کنترل

منوط به کسب دانش و مهارت مربوط می‌شود که این دانش و مهارت به وسیله آموزش و فرهنگ پذیری جوامع روستایی به دست می‌آید (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۶۵).

باید توجه داشت که امروزه دستیابی به توسعه همه جانبه روستایی و فراهم ساختن زمینه های توسعه پایدار روستایی در ابتدا باید از خود مردم آغاز گردد. در رویکرد معروف توسعه همه جانبه روستایی نیز آنچه که نسبت به دیگر رویکردهای توسعه برجسته و شاخص به نظر می‌رسد، مردمی بودن توسعه و آغاز آن از سوی مردم است و در عصر حاضر نیز ضرورت دارد تا با نهادسازی، فرهنگ سازی و توجه دادن مردم با آگاه سازی آنان به منافع خود و ایجاد و شکل گیری گروهها هم منفعت، آغازگر فرآیند توسعه از پائین به بالا باشیم.

آنچه مسلم است، در نهادسازی ها نیز توجه به آموزش، مهارتها، ترویج و ... در راستای سیاستگذاری، تصمیم سازی و تصمیم گیری امر توسعه روستایی ضرورت دارد. در ادامه فعالیتهای توسعه روستایی، در خصوص افزایش تولید روستایی، بازاریابی، کنترل بازارهای روستایی در تقابل با واسطه‌ها نمونه ای از راهبری یا سیاستگذاری در توسعه روستایی است. در نهایت می‌توان با اعمال این روشها و سیاستها در حوزه اقتصادی، بستر اصلی توسعه روستایی را که همان توسعه اقتصادی در جوامع و سکونتگاههای روستایی فراهم ساخت و به تبع آن به دیگر ابعاد توسعه روستایی از جمله توسعه کالبدی- فضایی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و نیز حفاظت از محیط در راستای توسعه پایدار روستایی دست یافت.

باید افزود که نیاز به یک مرجع تصمیم گیری جهت پیشبرد توسعه روستایی اعم از اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی، کالبدی در همه روستاها احساس می‌گردد؛ بدین لحاظ در روستاهای ایران نیز شوراها اسلامی به عنوان یک مرجع مردم نهاد و مدنی که تبلور خواست و اراده روستاییان در تعیین سرنوشت خویش و سکونتگاهی که محل زیست و فعالیت آنان است تشکیل گردیده است و نهاد دهیاری نیز به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی توسط دهیار مسولیت اجرای امورات روستا را در تعاملی چند سویه با شورا و مردم (جامعه روستایی) از یکسو و نهادها و دستگاههای اجرایی (حاکمیت) از سوی دیگر بر عهده دارد. بدیهی است واگذاری امورات مختلف به مردم اثرات مثبتی را در پی خواهد داشت که تجربه نهادهای مردمی توسعه روستایی در جهان و ایران مؤید این مساله می‌باشد.

مدیریت روستایی و توسعه روستایی:

امروزه در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجرایی، زیربنایی و ... در راستای توسعه یک سرزمین، مدیریت و اعمال روشهای مدیریتی اجتناب ناپذیر است. در بحث توسعه روستایی نیز در تمامی سطوح آن اعم از جهانی، عملیاتی - اجرایی و راهبردی، مدیریت توسعه روستایی حائز اهمیت فراوانی است.

مدیریت «فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد» (رضائیان، ۱۳۷۹: ۶). در این بین اهداف توسعه روستایی باید همه جانبه و فراگیر، مداوم و مستمر باشد. به طوری که بهبود شرایط برای اکثریت مردم، اطمینان نیازهای ضروری زندگی، خوداتکایی، بهبود طولانی و مستمر، هماهنگی با نیازهای مردم، عدم تخریب محیط زیست و مشارکت روستاییان را با خود داشته باشد (صیدایی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

در جهان امروز مدیریت موفق سبب توسعه و پیشرفت در بسیاری از کشورهای توسعه یافته گردیده است و علل اساسی بسیاری از شکستها و ناکامی های کشورهای در حال توسعه را باید در عدم مدیریت صحیح منابع، امور اقتصادی و ... در این کشورها دانست. شایان ذکر است که در عرصه توسعه روستایی نیز می‌بایست ضمن توجه به مدیریت روستایی، مدیریت یکپارچه روستایی را به عنوان رویکرد اساسی مدیریت توسعه روستایی اعمال نمود.

با توجه به ماهیت توسعه و توسعه روستایی، اجرای برنامه های توسعه، مستلزم کوشش هماهنگ و منسجم و ترکیبی از خواستن و داشتن مهارتهای سیاسی، اداری، فنی و اجرایی است. بنابراین مدیریت روستایی در واقع، در فرآیند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمانها و نهادهاست. این سازمانها و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین هدفهای جامعه روستایی هستند. هدفهایی که

مردم آن را ترسیم می کنند و می پذیرند. همچنین مدیریت توسعه روستایی فرآیند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن: مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمانهای روستایی، برنامه ها و طرحهای توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

امروزه در بحث توسعه روستایی و مدیریت توسعه روستایی، مفهوم مشارکت و پرداختن به مشارکت روستایی از جایگاهی ویژه در بعد نظری و نیز محلی برخوردار گردیده است. تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می - دهد که برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پائین دستاورد مطلوبی نداشته است. هر چه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه ها کاهش خواهد یافت و هزینه های اجرا و نظارت مرکزی افزایش یافته و آسیب پذیری طرحها و سیاستها بالا خواهد رفت. نظریه‌پردازان با آزمون نظریه‌های موجود، نظریه مشارکت را متحول کردند تا به نظریه شراکت رسیدند. طبق این دیدگاه، دولت و مردم باید دو شریک با منافع مشترک و حقوق و اختیارات مساوی در کنار یکدیگر در تمامی امور توسعه و اداره امور محلی و محلی فعالیت کنند (مطوف، ۱۹۹۶: ۲۳-۲۱۷ به نقل از رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

در نگرش جدید توسعه، بازگشت به ویژگی متمایز تاریخی هر جامعه از یک طرف و پرهیز از القای نسخه های تجویزی توسعه از بالا به پائین از طرف دیگر، تأکید می شود که در آن هویت محلی، زیربنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می روند. در واقع هویت محلی مبنای اصلی محلی گرایی و اداره محلی امور جامعه در قالب عنوان «مدیریت محلی» است، واژه ای که در بطن آن تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی محلی نهفته است. در این زمینه، توانایی فنی و داشتن چارچوب حقوقی از پیش شرطهای اصلی تحقق عملی مدیریت محلی است (شفیعی، ۱۳۷۹: ۴۳-۳۴).

بنابراین روشن می گردد که امروزه علاوه بر اینکه اعمال مدیریت و اجرای روشهای مدیریتی در جهت به پیش بردن سازوکارهای برنامه های توسعه روستایی الزامی است و توجه به نهادسازی و نقش نهادها در امر توسعه روستایی که توأم با نظارت، کنترل و همراهی دولت است، بسترسازی برای برنامه های آموزشی، ترویج و مشارکت جوامع محلی ضروری به نظر می رسد، در نهایت می بایست به فرآیند شکل دادن و ایجاد سرمایه اجتماعی به عنوان نتیجه غایی نهادسازی و مشارکت مردمی در راستای توسعه پایدار روستایی در سطوح جهانی، ملی، منطقه ای و محلی توجهی ویژه داشت.

روشهای مدیریت توسعه روستایی بر حسب شرایط محیطی، منطقه ای و از یک سرزمین و کشور تا کشورهای دیگر متنوع و متفاوت است که در نهایت تفاوت چهره ها و مناظر حاصل از فرآیند توسعه روستایی را به دنبال دارد. در ادامه به بررسی وضعیت فعلی مدیریت روستایی در ایران می پردازیم.

وضعیت فعلی مدیریت روستایی در ایران:

در حال حاضر در کنار دستگاههای دولتی مختلف از جمله جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دیگر دستگاههای اجرایی در کشور که هرکدام برحسب شرح وظایف قانونی خود عهده دار مسائل مختلف روستایی هستند، در بخش مدیریت روستایی شوراهای اسلامی به عنوان یک نهاد مدنی و منتخب از سوی مردم و نیز دهیاری ها به عنوان نهادی مدیریتی در جهت پیشبرد امور عمرانی، خدماتی و جاری در روستاها به فعالیت مشغول هستند.

در سال ۱۳۷۵ نیز قانونی به عنوان «قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» به تصویب رسید. بر اساس این قانون مدیریت روستایی نیز به شورای اسلامی واگذار گردید. در این قانون بر خلاف «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور» مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۰ و «قانون اصلاح تشکیلات شورای اسلامی کشور» مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۹ و (مورد اخیر هیچ فرصت اجرا نیافت، مسئولیت اجرایی مدیریت روستا بر عهده مقامی به نام «دهیار» گذاشته شده است که از طرف شورا به مدت چهار سال انتخاب می شود. صدور حکم دهیار با پیشنهاد شورا به وسیله بخشدار صادر می گردد و عزل او با رأی اکثریت اعضاء شورای اسلامی صورت می گیرد (طالب، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۳۹).

در حوزه مدیریت روستایی با تصویب قانون تأسیس دهیاری های خودکفا در روستاهای کشور در تیر ۱۳۷۷ و تصویب اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری ها در اسفند ۱۳۸۰، گام مؤثری جهت تأسیس یک نهاد عمومی برای مدیریت روستا

برداشته شد. به استناد مصوبات فوق، وزارت کشور (سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور) متولی اعطای مجوز تأسیس نهادی عمومی با شخصیت حقوقی مستقل به نام دهیاری در روستاهای بالای ۲۰ خانوار شده است. بر اساس آخرین دستورالعمل موجود، شرایط عمومی اخذ مجوز دهیاری شامل دارا بودن حداقل ۲۰ خانوار، پرداخت سرانه خودیاری، واگذاری ساختمان به دهیاری از طرف اهالی روستا، دار بودن شورای اسلامی و درخواست شورای روستا برای تأسیس دهیاری و تجهیز مقدماتی ساختمان دهیاری می شود (ماهنامه دهیاری ها، ۱۳۸۳: ۶۵).

بر این اساس، طبق تصویبنامه هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۸ و اصلاحیه آن در مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۶ وظایف متعددی در یک ماده و ۴۸ بند برای دهیار و دهیاری در نظر گرفته شده است. با توجه به ساختار و تشکیلات دهیاری و شرح وظایف آن باید اذعان داشت که الگوی تأسیس دهیاری از ساختار کنونی مدیریت شهری کشور که مشتمل بر دو نهاد شورای شهر و شهرداری است، اقتباس شد و وابستگی تاریخی شهرداری به وزارت کشور برای دهیاری ها نیز تکرار شده است (مهدهوی و همکاران، ۱۳۸۴).

به طور کلی شیوه نوین مدیریت روستایی در ایران را باید یک گام بسیار مثبت و مؤثر در راستای عمران و آبادی روستاها تلقی نمود. بر اساس بازدیدهای به عمل آمده از دهیاری های مستعد، توسعه کالبدی و فیزیکی روستاهای دارای دهیاری را می توان کم نظیر و چشمگیر دانست؛ با این وصف، امروزه دهیاری ها می توانند به عنوان بازوی اجرائی در روستاها در زمینه عمرانی و خدماتی نقش کلیدی را ایفا نمایند (منبع قبلی). روشن است که واگذاری امور عمرانی، توسعه ای، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی روستایی به خود روستاییان با هدایت و نظارت دولت و با نهادهایی منتخب و برخاسته از بطن روستا، می تواند، سبب بهبود معیشت و پیشبرد بهتر امور گوناگون توسعه روستایی گردد.

فرصتها و تنگناهای توسعه روستایی و ارتباط آن با مدیریت روستایی:

گسترش و توسعه روزافزون روستاها و واگذاری وظایف و فعالیتهای جدید به دهیاران نگاهی نوین، عالمانه و جامع به این مقوله را می طلبد و بدون شک این حوزه وسیع بدون استفاده از تجارب دیگران در زمینه های نظری و عملی به موفقیت کامل دست نخواهد یافت (نیکزاد، ۱۳۸۷: ۷).

با توجه به سوابق و تجربیات برنامه ریزی توسعه روستایی در کشور طی چند دهه اخیر و با لحاظ کردن امکانات، تنگناها و چالشهای موجود در روند توسعه نواحی روستایی و همچنین با در نظر گرفتن رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی، رویکرد مطلوب برای برنامه ریزی توسعه روستایی کشور «رویکرد جامع» و راهبرد مناسب در این زمینه «راهبرد توسعه همه جانبه و پایدار روستایی» است. اجزای اساسی این رویکرد و راهبرد عبارتند از:

۱. حفاظت و بهره بردای بهینه و متوازن از منابع پایه در جهت حرکت به سوی کشاورزی پایدار
۲. افزایش قدرت انتخاب مردم و توانمند نمودن اقشار آسیب پذیر جامعه روستایی به ویژه زنان و جوانان
۳. توسعه و گسترش مشارکت مؤثر و همه جانبه مردم و نهادهای محلی در فرآیند تصمیم سازی و برنامه ریزی در راستای دستیابی به موسسات محلی پایدار
۴. ارتقای بهره وری در کشاورزی، توسعه فرصتها، ظرفیتهای متنوع سازی اقتصاد روستایی
۵. توسعه فرصتهای برابر از حیث دسترسی به منابع، امکانات و منافع میان شهر و روستا
۶. ارتقای همه جانبه کیفیت زندگی اجتماعات روستایی (مؤسسه توسعه روستایی، ۱۳۸۱: ۴۵).

با عنایت به رویکرد جامع در توسعه روستایی و توجه به راهبرد توسعه همه جانبه و پایدار که در آن بر نقش مردم در توسعه روستایی و فرآیند از پائین به بالای توسعه تأکید می شود، می توان نتیجه گرفت که در اکثر روستاهای ایران تا زمانی که عزم عمومی روستائیان برای توسعه توأم با شناخت کافی از توانها، تنگناها، چالشها، فرصتها، امکانات و منابع و در عین حال نگرش واقع بینانه وجود نداشته باشد و تا زمانی که افراد روستایی در شناخت نیازها و مشکلات روستای خود فعال و آگاه نگردند، در تعیین اولویتهای توسعه در ابعاد گوناگون محیطی - اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - فضایی روستای خود موفق نخواهند بود. به علاوه توجه به مدیریت دانایی محور در روستاها، توجه به توسعه شهر و روستا با هم و با نگرش توسعه

منطقه‌ای، توجه به راهبردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مشارکتی در «مدیریت نوین توسعه روستایی» حائز اهمیت فراوانی می باشد.

فعالیت‌های دهیاری‌ها در چارچوب ۳ برنامه اصلی مطرح است، اجرای طرح هادی روستا که برنامه پنج ساله هم جزء آن است، برنامه اجتماعی و اقتصادی و برنامه خدمات عمومی. هر برنامه نیز چند طرح دارد که جمعا ۱۰ طرح است، از جمله وظایف خدمات عمومی، دهیارها پیشنهاد پروژه‌ها، عمرانی در قالب طرح‌های فوق به شورای اسلامی روستا و پس از تأیید شورا و بخشداری و امضای فرمانداری، ارائه مکتوب طرح به معاونت عمرانی استانداری و اخذ اعتبارات لازم از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و اجرای پروژه با نظارت فنی بخشداری، فرمانداری و معاونت عمرانی استانداری است (نوذرپور، ۱۳۸۲).

مشکل اساسی اکثر دهیاری‌ها در کشور، کمبود منابع اعتباری است و این مشکل خاص اکثر نهادها و سازمانهای محلی است. «تمام فعالیت‌های حکومتی که پایین تر از سطح مسائل مالی قرار گرفته اند، در حوزه اقتدار سازمانهای محلی قرار دارند» (طاهری، ۱۳۷۰: ۱۹۳). البته ایفای نقش سازمانهای محلی میت واند با مشکل نداشتن منابع مالی کافی و شرح وظایف نارسا و ناکافی مواجه شود و به عدم موفقیت آنها منجر گردد (اردیبهشت، ۱۳۷۸: ۸).

بنابراین نظام امروزی مدیریت روستایی کشور دچار یک تعارض اساسی است. از طرفی شورا و دهیاری یک نهاد مردم نهاد است و از سوی دیگر دولت برای پیشبرد امور روستاییان دهیاری‌ها تهیه و اجرای برنامه پنج ساله را مطالبه می نماید. به همه این مشکلات، مسایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نهادی و اداری کشور را باید افزود.

در این راستا در نواحی روستایی که انسجام اجتماعی بیشتری به دلیل روابط نزدیکتر و گسترده تر اجتماعی فراهم می باشد، سطح مشارکت روستائیان و نیز توفیق مدیریت روستایی به تبع این شرایط اجتماعی، بیشتر می باشد و نیز در نواحی روستایی که غالب روستائیان به کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن وابسته می باشند و به لحاظ درآمدی در سطح متوسط قرار دارند، میزان حساسیت و اهمیتی که به امورات روستایی دارند، نسبت به روستائیان دارای درآمد و سطح رفاه بالاتر، بیشتر می باشد و میزان مشارکت روستائیان و نقش آفرینی روستائیان و نیز مدیریت روستایی در عرصه توسعه روستایی چشمگیرتر می باشد. اگر مردم به اهمیت نهادهای دخیل در مدیریت و توسعه روستا آگاه شوند و این نهادها را ملزم و مؤظف به پاسخگویی و ارائه گزارش سالانه و ماهانه دهیاری و شورای اسلامی روستا نمایند، شورا و دهیاری نیز خود را پاسخگو و در نهایت فعال تر خواهند ساخت؛ در غیر این صورت، حالت انفعال روستائیان به فعالیت و پویایی تبدیل می‌شود و رکود فعالیت‌های دهیاری و شورا به حالت رونق و حرکت در مسیر آبادانی و توسعه پایدار و همه جانبه روستا تبدیل خواهد گردید، در کنار این موارد باید به نظرخواهی و همراهی نخبگان، معتمدین و دانش آموختگان و فرهنگیان در اداره امور روستا توجه نمود.

در پایان ذکر چند نکته لازم است: اول اینکه نباید مدیریت توسعه روستایی را منحصر به شورای اسلامی و دهیاری روستا نمود و در کنار این دو نهاد باید به نقش دولت در فراهم ساختن زمینه مشارکت روستائیان اشاره کرد. دوم اینکه: فرآیند مشارکت مردم و شکل گیری سرمایه اجتماعی در بستر توسعه روستایی پیش شرطهایی از جمله آموزش، ترویج، نهادسازی، افزایش آگاهی‌ها و فرهنگ عمومی و - در نهایت شکل گیری روحیه تعهد و مسئول بودن روستائیان نسبت به توسعه همه جانبه و پایدار روستایی را نیاز دارد که در صورت تحقق و فراهم شدن زمینه‌های ذکر شده، در نهایت مدیریت مطلوب روستایی را در راستای توسعه همه جانبه و پایدار روستایی شاهد خواهیم بود. در نهایت باید به ایجاد زمینه‌های نهادی و ساختاری در نواحی روستایی اشاره کرد که برخی از این زمینه‌ها اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و برخی دیگر نیز اقتصادی (مالی، اعتباری، تسهیلات و ...) می باشند و بدیهی است که فراهم شدن همه این موارد ضمن اینکه مستلزم عزم عمومی از سوی حاکمیت و ملت در جهت تقویت مدیریت روستایی و نهادهای مجری مدیریت روستایی و فعالان این عرصه می باشد، تغییرات اجتماعی و نهادی را با اصل قراردادن مشارکت و بسترسازی برای سرمایه اجتماعی به یاری می طلبد.

شناخت روستای مورد مطالعه:

روستای جوانمردی مرکز دهستان جوانمردی از توابع بخش خانمیرزا در جنوب شهرستان لردگان از توابع استان چهارمحال و بختیاری واقع می باشد. این روستا در فاصله ۴۲ کیلومتری از شهر لردگان (مرکز شهرستان) و در ۳۳ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (نقشه شماره ۱). این روستا از شمال به روستای حسن هندو، از جنوب به مزارع روستای جوانمردی و روستای خسروآباد، از غرب به تپه‌های موسوم به دولاب و از شرق به دشت جوانمردی محدود می‌گردد. همچنین از سمت جنوب شرقی با روستاهای قلعه چه و بابا منصور مرتبط و پیوسته می‌باشد. جوانمردی از جمله روستاهای با قدمت سکونت بیش از سه قرن و با موقعیت پایکوهی-دشتی است و از نظر تیپ روستایی در رده روستاهای متمرکز قرار می‌گیرد. این روستا در سال ۱۳۸۵ جمعیتی برابر با ۲۱۷۹ نفر داشته است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تعداد و ساختار جمعیت روستای جوانمردی

روستا	خانوار	جمعیت	مرد	زن	باسواد			بی سواد		
					کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
جوانمردی	۵۲۰	۲۱۷۹	۹۶۸	۱۲۱۱	۱۵۰۲	۶۹۸	۸۰۴	۴۰۳	۱۳۱	۲۷۲

نقشه ۱، موقعیت روستای جوانمردی در شهرستان لردگان و استان چهارمحال و بختیاری**روش تحقیق:**

در انجام این پژوهش بنابر ماهیت پژوهشهای از دو روش اسنادی و میدانی به صورت توأم بهره گرفته شده است. در روش میدانی از تکنیک مشاهده مستقیم در بازدید از اقدامات شورای اسلامی و دهیاری در بخش کالبدی- فیزیکی و تکنیک مصاحبه با روستاییان در خصوص میزان رضایت آنان از اقدامات و فعالیتهای انجام شده و نیز مصاحبه با مطلعین روستا در خصوص مسایل روستا و نیز اعضای شورای اسلامی و نیز دهیاری روستا از آغاز فعالیت این دو نهاد در زمینه مجموع اقدامات انجام شده در سه حوزه اجتماعی- اقتصادی، کالبدی- فیزیکی و خدمات عمومی استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی تحقیق:

روستای جوانمردی دارای سابقه تاریخی بیش از سه قرن می باشد و در گذشته دارای نهادهای عهده دار مدیریت روستایی و نیز برخی نهادها و مؤسسات خدماتی از جمله: سیستم ارباب و رعیتی، کدخدا، انجمن ده، مدرسه (با معلمان آن زمان و نیز سپاه دانش)، تعاونی روستایی و حضور مستمر نمایندگان دولتی از جمله مأمورین ثبت احوال، بهداری، کشاورزی و سپاهیان دانش و بهداشت، ترویج و دانش بوده است، که همواره در این روستا در کنار مدیریت محلی به ایفای نقش در زمان قبل از انقلاب اسلامی می پرداخته اند.

پس از پیروزی انقلاب، نیز خدماتی از جمله شبکه برق (۱۳۵۸)، توسعه شبکه آب که از سالهای ۵۲-۱۳۵۱ ایجاد شده بود، تأسیس مدارس از جمله دبستان دخترانه و مجزا شدن آن از حالت مختلط و تأسیس دبستان پسرانه، مدارس راهنمایی و دبیرستان پسرانه (۱۳۵۸) و دبیرستان دخترانه (۱۳۷۱)، مرکز پیش دانشگاهی (۱۳۸۰) و هنرستان کار و دانش (۱۳۸۸) در این روستا احداث و راه اندازی شده اند.

احداث و تجهیز مرکز مخابرات دهستان جوانمردی، تأسیس ساختمان و دفتر پست که هم اکنون در اختیار دهیاری و شورای اسلامی است، نیز از اقدامات دولت در زمینه عمرانی در روستا در دهه ۶۰ می باشد. تأسیس کانون فرهنگی در مسجد روستا، ساخت خانه عالم (با حضور روحانی مستقر) و ... نیز از اقدامات فرهنگی اداره ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی از دهه ۱۳۷۰ در این روستا می باشد.

از نظر امکانات بهداشتی و درمانی، مرکز بهداشتی- درمانی جوانمردی به این روستا و روستاهای همجوار در دهستان خدمات رسانی می کند. خانه بهداشت روستای جوانمردی نیز در روستا مستقر و مشغول فعالیت می باشد. همچنین این روستا دارای یک باب حمام (هشت دوشه، دوقلو زنانه و مردانه) می باشد.

عملیات گازرسانی به روستاهای بخش خانمیرزا پس از هماهنگی با شوراهای اسلامی و به دنبال تصویب قانون گازرسانی به روستاها در مجلس ششم و جمع‌آوری خودیاری از روستاییان و تأمین اعتبار آن در ۱۳ روستای این بخش و از جمله روستای جوانمردی در پائیز ۱۳۸۴ به اجرا درآمد.

در مجموع از نظر تأسیسات و امکانات و نیز خدمات رسانی در روستا، وضعیت نسبتاً مطلوبی را شاهد هستیم. اما به دلیل بروز خشکسالی های پی‌در پی از سال ۱۳۸۶ تاکنون، با افت منابع آب سطحی و زیرزمینی و به ویژه آب شرب در دهستان جوانمردی مواجه هستیم. همچنین قطع پی در پی برق در این دهستان به دلیل مشکلات ناشی از فرسودگی و نامناسب بودن شبکه انتقال برق از دیگر مشکلات این دهستان می باشد. به لحاظ وجود مراکز خدمات رسانی دیگر روستا دارای دو بانک صادرات و کشاورزی می باشد و نیز مغازه ها و فروشگاههای روستایی قابلیت ارائه خدمات در زمینه فروش انواع کالاهای موردنیاز مردم روستای جوانمردی و روستاهای حوزه نفوذ خود در دهستان می باشد. در زمینه امکانات ورزشی نیز روستا دارای یک زمین فوتبال و یک سالن ورزشی چندمنظوره می باشد.

یافته های تحلیلی تحقیق:

در راستای بررسی اقدامات و فعالیت های شورای اسلامی و دهیاری روستای جوانمردی، سه بخش اجتماعی- اقتصادی، فیزیکی- کالبدی و خدمات عمومی انتخاب شده اند. قابل ذکر است که انجام اقدامات عمرانی و توسعه ای در عرصه کالبدی- فیزیکی و نیز خدمات عمومی مطابق با وظایف مصوب در قانون برای دهیاری ها، نیازمند وجود منابع و امکانات اعتباری در کنار سایر عوامل نهادی و ساختاری می باشد. لذا بسیاری از موارد شرح وظایف دهیاری ها در عمل قابلیت تحقق و اجرا نخواهند داشت. نباید نقصان در انجام این فعالیتها را کم کاری و یا ضعف مدیریت روستایی تلقی نمود. همچنین فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در روستاها در راستای توسعه روستایی نیز علاوه بر نیاز به موارد بیان شده، همراهی و مشارکت جماعات روستایی توأم با حساسیت و جدیت آنان در سرنوشت روستا می باشد.

عملکرد کالبدی- فیزیکی دهیاری:

دهیاری روستای جوانمردی با همراهی و همکاری شورای اسلامی این روستا فعالیتهای و اقداماتی را به شرح ذیل از سال ۱۳۸۲ تاکنون در حوزه طرحهای روستایی و نیز در بخش فیزیکی کالبدی انجام داده است:

تداوم اجرای طرح هادی روستا با احداث:

- جدول سیل بند در ضلع جنوبی روستا به طول ۳۰۰ متر؛
- جوی و جدول در پایین چشمه روستا تا خیابان اصلی (خیابان امام) به طول ۵۰۰ متر،
- تکمیل پروژه جوی و جدول در امتداد خیابان اصلی روستا به طول ۶۰۰ متر که به دلیل مشکلات اجتماعی ناشی از ممانعت مردم در زمان اجرای طرح هادی به اجرا در نیامده بود؛

- نظارت بر صدور پروانه ساختمان ها و نیز همکاری با روستاییان در صدور پروانه و وصول عوارض نوسازی؛
- نامگذاری خیابانها و کوچه های اصلی روستا بیش از بیست مورد؛
- حصار کشی چشمه روستا به طول ۲۰۰ متر و ارتفاع حصار ۱ متر،
- زیرسازی و آسفالت ۵۰۰ متر از خیابان اصلی روستا
- لکه گیری و آسفالت خیابان اصلی روستا با اخذ خسارت از شرکت ملی گاز پس از عملیات لوله گذاری در خیابان اصلی جهت گازرسانی به روستا.

عملکرد خدمات عمومی دهیاری:

- خرید یک دستگاه تراکتور و تجهیز آن به یک دستگاه تریلر و استخدام یک نفر راننده جهت جمع آوری زباله و پس دفن بهداشتی آن در بیابانهای دور از روستا؛
- غرس تعداد ۱۰۰ اصله نهال در کنار جداول آب و حاشیه خیابان اصلی روستا؛
- پیگیری در تجهیز و نوسازی حمام عمومی روستا و تبدیل سوخت مازوت این حمام به گاز طبیعی؛
- همکاری با روستاییان و معرفی مالکان مسکن نوساز روستا به اداره گاز بخش، شرکتهای توزیع برق و آب و فاضلاب روستایی شهرستان در جهت اشتراک جدید این خدمات؛
- همکاری با شرکت آب و فاضلاب روستایی شهرستان در آب رسانی با تانکر به روستا و نیز همکاری با شرکت آب و فاضلاب روستایی استان در جهت مکان یابی و تعیین محل حفر چاه آب شرب روستا در سالهای اخیر و با توجه به خشکسالی های واقع شده.

عملکرد اجتماعی - اقتصادی دهیاری:

به طور کلی می توان ذکر کرد که فعالیت در این حوزه بیشتر بستگی به میزان آمادگی روستاییان در مشارکت با نهادهای محلی از جمله شورای اسلامی و دهیاری روستاست. در روستای جوانمردی اگر چه در انجام برخی فعالیتها و مشارکت در خودیاری بعضی از طرحهای عمرانی آمادگی و حمایت لازم وجود دارد، اما شورای اسلامی و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا در این روستا نیز نتوانسته است، فعالیت چشمگیری در حوزه اقتصادی - اجتماعی داشته باشد و لذا اهم فعالیت دهیاری و شورای اسلامی روستای جوانمردی نیز منحصر به رفع و حل و فصل برخی اختلافات محلی، خانوادگی روستاییان و ... است که این مسایل نیز به دلیل برخی درخواستها و اقتضائات جوامع محلی است که تغییر نقش ریش سفیدی و نهادهای کوچک محلی و چرخش وظایف آن به شوراها و دهیاری هاست. حال آنکه این مسائل در حوزه وظایف شوراهای حل اختلاف است.

ارزیابی عملکرد و مشکلات فراروی دهیاری:

در روستای جوانمردی اقدامات یادشده از ابتدای تأسیس دهیاری در سال ۱۳۸۲، و دوره فعالیت دوره دوم انجام گرفته اند. اما در دوره سوم فعالیت شورا و دهیاری روستا، در سه سال گذشته به طور کلی می توان گفت که اقدامات دهیاری در حوزه خدمات عمومی چشمگیرتر و فعالتها و اقدامات عمرانی، فیزیکی - کالبدی و اجتماعی - اقتصادی کمتر انجام گردیده است. اگرچه در خصوص فعالیت دهیاریها، ۴۸ مورد وظیفه تعریف شده است، لیکن در عمل بسیاری از این وظایف جنبه تشریفاتی و در واقع غیر قابل اجرا هستند که در مورد علت این شرایط نیز ملاحظاتی اجتماعی، فرهنگی و حتی خانوادگی و منطقه ای مانع از اجرای آنها می گردد که برای مثال می توان به نظارت بر خرید و فروش فروشگاهها و مغازه های خواربار، معرفی متخلفان بهداشتی و ... را می توان ذکر کرد.

در حوزه مسائل عمرانی نیز کمبود بودجه، عدم تکافوی عوارض جمع آوری شده از روستاییان و ... نیز در رکود امور عمرانی روستا و عدم توسعه فیزیکی - کالبدی روستا را در پی داشته است.

- بدین ترتیب اهم مشکلات فراروی توسعه فیزیکی - کالبدی و عمرانی روستای جوانمردی را می توان به شرح ذیل ذکر کرد:
- کمبود بودجه و منابع اعتباری در جهت انجام امور عمرانی و توسعه فیزیکی روستا و تداوم اجرای طرح هادی روستایی در راستای هدایت توسعه فیزیکی روستا و بهبود شرایط کالبدی روستا

- عدم وجود نیروی فنی و متخصص مسائل عمرانی در سطح دهیاری ها، بخشداری ها و حتی فرمانداری شهرستان در جهت نظارت و اجرای پروژه های عمرانی
- وقوع سیلابهای پی در پی و در نتیجه تخریب جداول روستا، تخریب آسفالت خیابانها و نیز پرشدن خیابانها، معابر و جداول از گل و لای و عدم امکان لایروبی و ساخت دوباره جداول و نیز بازسازی آسفالت خیابانها
- کمبود منابع آب به دلیل وقوع خشکسالی های پی در پی که این مورد ضمن مواجه ساختن روستای جوانمردی با مشکل آب شرب در روند انجام پروژه های عمرانی اعم از عمومی و خصوصی وقفه جدی ایجاد نموده اند. فرسودگی شبکه آب و برق روستا نیز در خدمات رسانی به روستا و به نحو مطلوب مشکل ایجاد کرده است.
- در حوزه خدمات رسانی عمومی نیز در حد توان دهیاری روستا موفق عمل نموده است، اما با جلب مشارکت بیشتر روستاییان می توان شرایط بهتری را نیز فراهم ساخت.
- در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز با توجه به اینکه اکثریت خانوارهای روستایی در جوانمردی از وضعیت درآمدی نسبتاً مناسبی برخوردارند، در صورت امکان و در شرایطی که نیاز به خودیاری در طرحهای روستایی احساس گردد، به پرداخت کمک هزینه خودیاری می پردازند. نمونه آن را در طرح گازرسانی به روستا در سالهای اخیر، ساختمان مسجد روستا و نیز در ساخت غسلخانه روستا در سال ۸۹-۱۳۸۸ ملاحظه می نمایم. با توجه به اینکه اکثریت شاغلان روستای جوانمردی به ترتیب در کارهای خدماتی-تأسیساتی در جنوب کشور، کشاورزی و دامداری و مغازه داری مشغول هستند. به علت پیشرفتهای اقتصادی که اهالی در سالهای اخیر داشته اند، میزان مشارکت آنان در مسائل روستا و نیز حساسیت و پیگیری آنان در امورات روستا در طی سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. در ادامه اهم مشکلات عدم تحقق اقدامات اقتصادی-اجتماعی شورای اسلامی و دهیاری روستا را می توان به شرح ذیل ذکر کرد:
- رسوخ روحیه تجدد، مصرف گرایی و نوگرایی و به تبع آن کاهش سطح مشارکت و حساسیت روستاییان نسبت به توسعه و عمران عمومی روستا؛
- عدم اعتماد در مشارکت با شورا و دهیاری که هر دو نهاد منتخب خود مردم هستند؛
- ضعف و کاهش عملکرد شورا و دهیاری روستای جوانمردی به ویژه در دوره سوم شورا و دوره اخیر دهیاری؛
- عدم شفافیت و صداقت در انجام امور توسط دهیاری و استقلال نسبی عمل در تعامل با شورا و اهالی روستا؛
- عدم تعریف طرحها و برنامه های راهبردی در چارچوب برنامه های سالانه و پنج ساله برای آبادانی روستا و ارائه به مقامات و نهادهای بالاتر و تأمین اعتبارات لازم در قیاس با دیگر روستاهای بخش و شهرستان، حتی روستاهایی که سابقه تأسیس دهیاری آنان بسیار کمتر از سابقه ۸ ساله دهیاری این روستاست؛
- اختلاف نظر و عدم تفاهم بر سر برنامه ها در بین اعضای شورای اسلامی با هم و با دهیار روستا؛
- عدم مراجعه و ارتباط مؤثر برخی از اعضای شورای اسلامی با دیگر اعضا و نیز دهیار روستا و همکاری با هم در مراجعه به نهادهای اجرایی و دولتی در جهت رفع مشکلات روستا.
- در مجموع عملکرد شورای اسلامی و دهیاری روستای جوانمردی متوسط به بالا ارزیابی می گردد، البته تا رسیدن به وضعیت مطلوب ساکنین روستا فاصله زیادی وجود دارد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲: میزان رضایت خانوارهای ساکن از اقدامات و فعالیت های شورای اسلامی و دهیاری روستای جوانمردی

روستای جوانمردی	خوب	متوسط	ضعیف
اجتماعی - اقتصادی	۲۷	۳۶	۳۷
خدمات عمومی	۳۸	۲۶	۳۶
کالبدی - فیزیکی	۳۸	۳۹	۲۳

نتیجه گیری:

با توجه به اینکه در شرایط حاضر ایران آنچه بیشتر تجلی مشارکت روستاییان در توسعه روستا می‌باشد، وجود دو نهاد شورای اسلامی و دهیاری از یکسو و اقدامات این دو نهاد و اثرات این اقدامات در پیشبرد توسعه روستایی از سوی دیگر است، این نوشتار درصدد بررسی عملکرد و نقش دهیاری روستای جوانمردی از توابع شهرستان لردگان برآمد. نتایج حاکی از عملکرد مثبت دهیاری از آغاز فعالیت تاکنون به ویژه در زمینه کالبدی- فیزیکی بوده است. و بنابر بافت فرهنگی- اجتماعی خاص منطقه و همچنین عدم داشتن اختیارات تام در زمینه انجام فعالیتهای اجرایی و اقتصادی در روستا آنگونه که می‌بایست دهیاری نتوانسته موفقیت و رضایت ساکنین روستا را فراهم بیاورد. بطوری که بیش از ۳۵ درصد از روستاییان رضایت متوسطی از مجموعه عملکردهای دهیاری روستا داشته‌اند. بدین ترتیب مشاهده می‌شود مجموعه مدیریت جدید در روستا نتوانسته‌اند؛ آنگونه که می‌بایست موجبات تعالی و توسعه روستای مورد مطالعه را فراهم نمایند. البته ذکر این نکته لازم است که تحقق همه اهداف توسعه روستایی و انجام همه اقدامات و فعالیتهای مدیریت فعلی روستایی منطبق با شرح وظایف این نهادها و بر اساس نیازهای جوامع روستایی ساکن در این سکونتگاهها، نیازمند رفع مشکلات ساختاری- نهادی و اجرایی موجود از یکسو و فراهم شدن زمینه‌های مشارکت روستاییان و شکل گیری بستر سرمایه اجتماعی از سوی دیگر می‌باشد.

پیشنهادات:

- تقویت حس اعتماد متقابل میان شورا و دهیاری با مردم از طریق تبادل نظر با مردم در انجام اقدامات گوناگون در بوستا و با رضایت، همیاری و مشارکت روستاییان،
- جلب سرمایه گذاران ساکن روستا و نیز خارج از روستا در احداث و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در روستا در جهت تنوع بخشی به اقتصاد روستایی و ایجاد اشتغال
- ارایه گزارش فعالیتهای شورا و دهیاری و برگزاری جلسات مشترک با مردم توأم با نظرخواهی از آنان در جهت تقویت اعتماد و تداوم مشارکت و همیاری روستاییان
- نظارت مؤثر بر ساخت و ساز در روستا و حفظ حریم معابر، رفع موانع اجتماعی موجود در تعریض معابر و خیابانهای اصلی روستا و لزوم توجه به سنگفرش نمودن پیاده روهای این خیابان ها و تکمیل عملیات جدول در روستا، زیرسازی و آسفالت معابر و خیابانهای فرعی روستا، توسعه حریم روستا از طریق بازنگری در طرح هادی روستا با توجه به کمبود زمین در جهت ساخت مساکن جدید
- توجه به ایجاد و گسترش فضای سبز و بوستانها و پارک بازی کودکان در روستا و کاشت درخت در حاشیه خیابانهای اصلی روستا.

قدردانی و تشکر

نگارندگان در پایان این پژوهش، مراتب تقدیر و سپاس خویش را از اعضای محترم شورای اسلامی روستای جوانمردی و دهیار محترم روستا ابراز می‌دارند و تداوم توفیقات ایشان را از درگاه خداوند بزرگ خواستارند.

منابع:

۱. آسایش، حسین (۱۳۷۴): «نقش سرنوشت ساز روستا در توسعه اقتصاد ملی»، ماهنامه جهاد، شماره ۱۷، تهران، صص ۹-۱۲.
۲. پارس ویستا (مهندسین مشاور) (۱۳۷۹): مطالعات تمرکززدایی و بهبود منطقه ای، گزارش پنجم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۳. پژوهشکده سوانح طبیعی معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۸): ارزشیابی اجرای طرح هادی روستایی، تهران.
۴. حسینی ابری، سیدحسن (۱۳۸۰): مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
۵. رضائیان، علی (۱۳۷۹): اصول مدیریت، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

۶. ماهنامه دهیاری ها (آبان ۱۳۸۳): سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، شماره ۱۰، تهران.
۷. سعیدی، عباس و دیگران (۱۳۷۰): تحلیل و نقد شیوه های طبقه بندی روستاها، گزارش اول، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۸. سعیدی، عباس (تابستان ۱۳۷۷): توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، تهران بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۸۷، تهران، صص
۹. سعیدی، عباس (۱۳۷۹): مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۸): الگوهای خدمات رسانی روستایی، معاونت عمرانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
۱۱. شفیعی، حسن (۱۳۷۹): «مدیریت در سطح محلی و توسعه پایدار»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، تهران.
۱۲. صیدایی، سیداسکندر (۱۳۸۷): برنامه ریزی روستایی در ایران، جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
۱۳. طالب، مهدی (۱۳۷۶): مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۴. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۰): حکومت های محلی و عدم تمرکز، انتشارات قومس، چاپ اول، تهران.
۱۵. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲): برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، مشهد.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵): نتایج اولیه سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان لردگان، تهران.
۱۷. مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۱): گزارش هم اندیشی توسعه روستایی، محور شماره ۲۴، مجموعه مقالات همایش چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزشی و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۱۸. مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۲): منشور کنگره توسعه روستایی، همایش توسعه روستایی؛ چشم اندازها و چالش ها.
۱۹. مؤسسه فرهنگی، اطلاع رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداری های و دهیاری های کشور (۱۳۸۷): منابع مالی و درآمدی دهیاری های کشور، از سری کتابهای سبز دهیاری ها، تهران.
۲۰. مهدوی، مسعود (۱۳۸۱): مدیریت روستایی، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد (برگرفته از کتاب مدیریت تحول سازمانی محمد تسلیمی، دانشگاه تهران).
۲۱. مهدوی، مسعود و علی اکبر نجفی کانی (پاییز ۱۳۸۴): «دهیاری ها، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی)»، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۳، تهران، صص ۳۹-۲۱.
۲۲. نودرپور، علی (خرداد ۱۳۸۲): «دهیاری ها و مدیریت روستایی»، متن مصاحبه، ماهنامه دهیاری ها شماره ۱، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.